



سهروردی وجود نبی را لطف خداوند به انسانها می داند/سیاست متعالی شیخ اشراق

زندگی جمعی انسان، نخستین و اصلی ترین رکن اندیشه سیاسی سهروردی را تشکیل می دهد و از این رهگذر ضرورت وجود حاکم برای زندگی بشر نیز تبیین می شود. سهروردی وجود نبی و رهبر را لطف به انسانها از سوی پروردگار عالم می داند.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: زندگی جمعی انسان، نخستین و اصلی shy­ترین رکن اندیشه سیاسی سهروردی را تشکیل می دهد و از این رهگذر ضرورت وجود حاکم برای زندگی بشر نیز تبیین می شود. سهروردی وجود نبی و رهبر را لطف به انسانها از سوی پروردگار عالم می shy­داند.

شیخ شهاب shy­الدین سهروردی از جمله دانش shy­مندان بزرگ قرن ششم هجری است که اهتمام به اندیشه سیاسی وی تلاشی در جهت کشف زوایای مبهم اندیشه حکیمی است که پایه shy­گذار مکتبی خاص در حکمت اسلامی بوده است، بازخوانی اندیشه سیاسی این حکیم در حقیقت کشف یک عنصر فعال و کارآمد ایرانی در حوزه فکر و اندیشه سیاسی در جهان اسلام است.

در این مختصر، مجال پردازش کامل به اندیشه سیاسی سهروردی را نداشته و درصددیم تا در گام نخست با توجه به متن آثار سهروردی، با حفظ شالوده shy­ها و عدم ساختار shy­شکنی در فلسفه ایشان، با روشی عمدتاً توصیفی ابعاد سیاسی اندیشه این حکیم اشراقی را بازخوانی کنیم. بنابراین، در این پژوهش در پی کشف مسائل غامض و پیچیده فلسفه حکیم سهروردی نبودیم و مقصود ما این نیست که به رفع شبهات وارده و یا تصحیح نصوص ایشان بپردازیم.

قالب اصلی این مقاله پرداختن به اندیشه سیاسی سهروردی است که بر دو پایه ذوق و استدلال یعنی تجربه عرفانی و تفکر منطقی استوار است و برهان صریح و کشف صریح را ملاک شناخت حقایق می shy­داند و کلید فهم این حکمت، معرفت نفس است.

سؤال این است که اندیشه سیاسی سهروردی چه نسبتی با مبانی فلسفی وی دارد؟ سهروردی شناخت معارف و کسب علم و معرفت برای آدمی را ضروری می shy­داند، راه علم و دانش را مسدود ندانسته و بهترین جویندگان الهی را کسانی می shy­داند که هم طالب تأله و هم خواستار حکمت shy­بحثی باشند. [1] نظام هستی در نگاه سهروردی مبتنی بر تجلی انوار است. وی با مقابل هم قرار دادن نور و ظلمت شکل خاصی از جهان shy­شناسی را ارائه می shy­کند که در آن جهان موجود در تحت قمر در درون خود تنها با اتصال به جهان مافوق قمر می shy­تواند از نور و ضوء بهره گیرد و به همین سبب وی برای شناخت هستی از مبدأ هستی یعنی واجب shy­الوجود آغاز می shy­کند و ضمن معرفی و بیان صفات او به چگونگی خلقت افلاک می shy­پردازد.

[2] تز اصلی شیخ اشراق معنا یافتن در مواجهه با خداوند است، برای او متافیزیک نور تنها تقسیمی آنتولوژیک درباره جهان نیست، او به سرنوشت ویژه بشر می shy­اندیشد، ایمان داشتن به خدا و عشق ورزیدن به او و در واقع تعین یافتن از سوی امر قدسی و نشان دادن اینکه امری ورای هستی بشری آن را معین می shy­دارد و معنا می shy­بخشد همه و همه از یافته shy­های سهروردی است که این معنایابی، امری حقیقی و غیرموهوم می shy­باشد.

در نگاه سهروردی به غایت انسان، دو گرایش، یکی گرایش برین که در فرا رفتن از خویشتن متبلور می shy­شود و دیگری گرایشی فرودین که بشر را به قعر غریزه می shy­خواند در نهاد آدمی shy­ستیزی دما دم پدید می shy­آورند. وی خیر در جهان خلقت را بیش از شرور می shy­داند. [3] و کمال آدمی را در خیر جستجو می shy­کند. سهروردی کمال انسان را در تجرد از ماده به اندازه shy­طاعت و تشبه به مبادی می shy­داند و معتقد است انسان اگر عفت و شجاعت و حکمت را برای خود حاصل کند، حصول این ملکات اخلاقی برای او لذتی وصف ناشدنی ایجاد می shy­کند. وی چهار اصل عدالت، حکمت، شجاعت و عفت را لازمه shy­ی سلوک عملی می shy­داند و اصل لازم در این چهار عنصر را اصل توانایی و اعتدال و میانه روی می shy­داند. [4]

امور دنیوی در نگاه سهروردی به دو بخش تقسیم می shy­شود، اموری که به اعمال انسان تعلق نمی shy­گیرد مثل آسمان و زمین و دیگر امور مربوط به آنها است، وی از نوع اول به حکمت نظری و از دسته دوم به حکمت عملی تعبیر می shy­کند و حکمت عملیه را به سه قسم خلقیه، منزلیه و مدنیه تقسیم می shy­کند و دانستن این امور را برای بقای زندگی دنیوی ضروری می shy­

داند. [5] شیخ اشراق چهار اصل عدالت و حکمت و شجاعت و عفت را لازمه shy& می‌داند و تأکید می‌shy& کند اصل لازم در این چهار عنصر اصل توانایی و اعتدال است نه افراط و تفریط. [6] وی بحث مستقلی از مدنیه ندارد. اما، از مبانی او بدست می‌shy& آید که سیاست به منزله shy& ابزاری برای رسیدن به سعادت است. سهروردی فلاسفه را نایبان خدا در زمین، پیغام shy& آوران و قانونگذاران در جهان هستی می‌shy& داند و بدین ترتیب رهبری جوامع انسانی را به دست حکیمی متبحر در تأله و بحث می‌shy& سپارد.

[7] از نظر او شخص حاکم صرفاً به فرمان خدا می‌shy& تواند حکمران مشروع باشد از این shy& رو یکی از ارکان اساسی سیاست اشراقی این است که حکمرانان در آن توانایی آن را پیدا کنند که دریافت shy& کنند shy& فرمان الهی باشند و صلاحیت اقتداری را که از طریق الهی به آنها اعطا شده، داشته باشند. سهروردی از مسند مافوق قمر، جهان تحت قمر را در آرامش و ثباتی معنادار به آسمان وصل می‌کند. تمثیل shy& های پرمز و راز او حکایت از این نگاه دارد.

سیاست بی shy& سیاست او که او را جوانمرگ کرده است، منش و مشی سیاسی وی را نشان می‌shy& دهد، او آشکارا اعلام می‌shy& کند خلافت از آن کسی است که در معارف ذوقی سرآمد بوده و حتی shy& الامکان از دانش shy& های ظاهری بی shy& بهره نباشد، خواه مردم او را بشناسند و به قدرتش رسانند و خواه نشناسند و در گوشه shy& ای بنشانند، در هر صورت ریاست از آن اوست با این تفاوت که اگر تدبیر در جامعه در دست چنان کسانی باشد، دوران، دوران روشنایی خواهد بود وگرنه به ظلمت و تاریکی فرو خواهد رفت. [8]

موضوع حکومت حکیم متأله که الگوی حکومت مطلوب سهروردی است در واقع حقایق مربوط به پدیده shy& های سیاسی است که سهروردی صراحتاً درباره آن اظهارنظر می‌shy& نماید. حکمت مدنی shy& ای که سهروردی از آن سخن می‌shy& گوید علم به تمامی حقایق سیاسی و به عبارتی پدیده های سیاسی ضمنی در جامعه انسانی است. زندگی جمعی انسان، نخستین و اصلی shy& ترین رکن اندیشه سیاسی او را تشکیل می‌دهد و از این رهگذر ضرورت و وجود حاکم برای زندگی بشر نیز تبیین می‌shy& شود. سهروردی وجود نبی و رهبر را لطف به انسانها از سوی پروردگار عالم می‌shy& داند. [9] وی به رسالت انبیای عظام در طول تاریخ اشاره می‌shy& کند و ادامه رسالت آنان را به حکیمان می‌shy& سپارد.

در نظر سهروردی اگر ریاست واقعی جهان به دست حکیمی متأله قرار گیرد زمانه بسیار نورانی و درخشان خواهد شد و برعکس هرگاه جهان از تدبیر حکیمی الهی تهی ماند، ظلمت shy& ها و تاریکی shy& ها بر عالم و مردم آن چیره می‌shy& شود [10] از دید سهروردی حکیم متأله که به حقیقت به کشف و شهود عارفان رسیده کسی است که جسم او بمانند پیراهن گشته است که گاه از تن بیرون می‌shy& کند و گاه آنرا از تن بیرون می‌shy& آورد. هیچ shy& کس نمی‌shy& تواند در زمره shy& ی عارفان قرار گیرد جز آن shy& که به shy& واسطه خمیرمایه و فطرت مقدس به حکمت عارفان دست یابد و بسان پیراهن shy& پوشیدن و از تن در آوردن مجزب شود، چنین شخصیتی به جانب نور عروج می‌shy& کند و اگر مایل باشد و لازم بداند به هر صورت که خود برگزیند متظاهر می‌shy& شود و در این حال او با ذات خویش فرزند عالم نور است. [11]

سهروردی به پادشاهان نصیحت می‌shy& کند که جهانی ورای این جهان فانی وجود دارد که ابدی است و در آن جهان زندگی تداوم دارد. وی انسانهایی که به جاودانگی این عالم معتقد شده و به همنوعان ظلم و ستم کرده shy& اند، خرده می‌shy& گیرد و با بیان ناهنجاری shy& های جامعه به نوعی از زمانه shy& خود خبر می‌shy& دهد که برخی بر اثر دور افتادن از انوار الهی به جایی رسیدند که بر نوع خود ظلم روا می‌shy& دارند، او این حالت را ناشی از عدم مشاهده shy& حال و اشتراق انوار می‌shy& داند و با این عبارات نشان می‌shy& دهد که از سرنوشت هم نوعان خود رنج می‌shy& برد و به دنبال حکیمی با اشراق کامل می‌shy& گشت تا زمین را از عدالت مملو کند. [12]

شیخ اشراق در پی رویکرد سیاست متعالی است، نظریه سیاسی و حکومت مطلوب او که بر پایه مبانی معرفتی وی ترسیم می‌shy& شود، توسعه مادی را با تعالی معنوی توأمان تبیین و تأمین می‌shy& کند. رهیافت اشراقی که حکمت ذوقی و حکمت shy& بحثی را توأمان در خود جمع کرده است، چشم shy& انداز جدیدی به زندگی سیاسی مسلمانان دارد که از قیل آن نظریه دو ساحتی انسانی - الهی (اسلامی - اشراقی) جایگزین نظریه و رویکرد مادی - جسمانی (دنیوی) و تک shy& ساحتی می‌shy& شود.

*نویسنده: رجبعلی اسفندیار، مدیر امور پژوهشی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

[2]. همان، ص 31 - 55.

[3]. سهروردی، حکمت shy&الاشراق، ترجمه سید جعفر سجادی، ص 362.

[4]. سهروردی، مجموعه مصنفات، ج 3، ص 67 69 و ج 4، ص 129.

[5]. همان، ج 3، ص 392.

[6]. همان، ص 67 69.

[7]. سهروردی، حکمت shy&الاشراق، پیشین، ص 18 - 20.

[8]. سهروردی، مجموعه مصنفات، ج 2، ص 12.

[9]. همان، ص 452 556 و 75.

[10]. سهروردی، حکمت الاشراق، پیشین، ص 20.

[11]. سهروردی، مجموعه مصنفات، ج 1، ص 503 - 504.

[12]. همان، ج 2، ص 101 و 102.